

ویدئو و نوشت :

منبع و تاریخ نشر : انفارمیشن کلیرنگ هوز «2022-10-01».

برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

سخنرانی پوتین « استعمار نوین » غرب را منفجر کرد

Putin's Speech Blasting 'Neo-Colonial' West



ولادیمیر پوتین :

« من می خواهم که مقامات کیف و اربابان واقعی
آنها در غرب صدای من را بشنوند تا همه این را به
خاطر بسپارند »

***I want the Kyiv authorities and their real masters in the
West to hear me, so that everyone remembers this"***

حضار و شهروندان محترم روسیه، شهروندان جمهوری های خلق دونتسک و لوگانسک، ساکنان
مناطق زاپوروژیه و خرسون، نمایندگان دومای دولتی و سناتورهای فدراسیون روسیه !

می دانید، همه پرسبی در جمهوری های خلق دونتسک و لوهانسک، مناطق زاپوروژیه و خرسون
برگزار شد. نتایج آنها خلاصه شده است، نتایج مشخص است. مردم انتخاب خود را کردند، یک انتخاب
واضح.

امروز ما در حال امضای توافقنامه هایی برای پذیرش جمهوری خلق دونتسک، جمهوری خلق لوهانسک، منطقه زاپوریژیا و منطقه خرسون به روسیه هستیم. من مطمئن هستم که مجلس فدرال از قوانین اساسی در مورد تصویب و تشکیل چهار منطقه جدید، چهار موضوع جدید فدراسیون روسیه در روسیه حمایت خواهد کرد، زیرا این خواست میلیون ها نفر است.

(تشویق و تمجید)

و این البته حق آنهاست، یا حق مسلم آنهاست که در ماده اول منشور ملل متحد که مستقیماً از اصل حقوق برابر و تعیین سرنوشت ملتها صحبت می کند، تصریح شده است.

تکرار می کنم: این یک حق مسلم مردم است، بر اساس وحدت تاریخی است که به نام آن نسل های اجداد ما پیروز شدند، کسانی که از خاستگاه روسیه باستان قرن ها روسیه را ایجاد کردند و از روسیه دفاع کردند. بر اینجا، در **نوروسیا**، رومیانتسوف، سووروف و اوشاکوف جنگیدند، کاترین دوم و پوتمکین شهرهای جدیدی را تأسیس کردند. بر اینجا پدر بزرگ ها و پدر بزرگ های ما در طول جنگ بزرگ میهنی تا پای جان ایستادند.

ما همیشه قهرمانان "بهار روسیه" را به یاد خواهیم آورد، کسانی که با کودتای نئونازی در اوکراین در سال 2014 کنار نیا آمدند، همه کسانی که برای حق صحبت به زبان مادری خود، حفظ فرهنگ، سنت های خود جان خود را از دست دادند. ایمان، برای حق زندگی اینها جنگجویان دونباس، شهدای "اودسا خاتین"، قربانیان حملات تروریستی غیرانسانی رژیم کیف هستند. اینها داوطلبان و شبه نظامیان هستند، این افراد غیرنظامی، کودکان، زنان، افراد مسن، روس ها، اوکراینی ها، مردم از ملیت های مختلف هستند. این رهبر واقعی مردم دونتسک الکساندر زاخارچنکو است، اینها فرماندهان نظامی آرسن پاولوف و ولادیمیر ژوگا، اولگا کوچورا و الکسی موزگویی هستند، این دادستان جمهوری لوهانسک سرگئی گورنکو است. این چترباز نورماگومد گادژیماگومدوف و همه سربازان و افسران ما هستند که در جریان یک عملیات نظامی ویژه جان باختند. آنها قهرمان هستند. (تشویق حضار). قهرمانان روسیه بزرگ. و از شما می خواهم که یاد و خاطره آنها را با یک دقیقه سکوت گرامی بدارید. «لحظه سکوت».

متشکرم.

پشت انتخاب میلیون ها ساکن در جمهوری های خلق دونتسک و لوگانسک، در مناطق زاپوریژیه و خرسون، سرنوشت مشترک و تاریخ هزار ساله ما قرار دارد. مردم این ارتباط معنوی را به فرزندان و نوه های خود منتقل کردند. با وجود تمام آزمایشات، آنها در طول سالها عشق به روسیه را حمل کردند. و هیچ کس نمی تواند این احساس را در ما از بین ببرد. به همین دلیل است که هم نسل های قدیمی تر و هم جوانان، کسانی که پس از فاجعه فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به دنیا آمدند، به اتحاد ما، به آینده مشترک ما رأی دادند.

در سال 1991، در *Belovezhskaya Pushcha*، بدون درخواست از اراده شهروندان عادی، نمایندگان نخبگان حزب در آن زمان تصمیم به فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی گرفتند و مردم ناگهان خود را از وطن خود جدا کردند. این پاره پاره شد، جامعه مردمی ما را متلاشی کرد، به یک فاجعه ملی تبدیل شد. همانطور که یک بار پس از انقلاب، مرزهای جمهوری های اتحادیه در پشت صحنه

قطع شد، آخرین رهبران اتحاد جماهیر شوروی نیز بر خلاف بیان مستقیم اراده اکثریت مردم در
رفراندوم 1991، کشور بزرگ ما را به سادگی ویران کردند. مردم را با یک واقعیت مواجه کرد

. اعتراف می‌کنم که آنها حتی به طور کامل نمی‌دانستند که چه می‌کنند و این امر در نهایت به
چه عواقبی ناگزیر منجر می‌شود. اما این دیگر مهم نیست. اتحاد جماهیر شوروی وجود ندارد، گذشته
قابل بازگشت نیست. بله، و روسیه امروز دیگر به آن نیاز ندارد، ما برای این تلاش نمی‌کنیم. اما هیچ
چیز قوی‌تر از عزم میلیون‌ها نفر نیست که با فرهنگ، ایمان، سنت‌ها، زبان خود، خود را بخشی از
روسیه می‌دانند که اجدادشان قرن‌ها در یک کشور واحد زندگی می‌کردند. هیچ چیز قوی‌تر از عزم این
مردم برای بازگشت به میهن واقعی و تاریخی خود نیست.

برای هشت سال طولانی، مردم دونباس در معرض نسل‌کشی، گلوله باران و محاصره قرار
گرفتند، و در خرسون و زاپوروژیه تلاش کردند به طور جنایتکارانه نفرت را نسبت به روسیه، نسبت
به همه چیز روسی، پرورش دهند. اکنون، در جریان همه‌پرسی، رژیم کیف تهدید به خشونت، مرگ
معلم‌ان مدارس، زنانی که در کمیسیون‌های انتخاباتی کار می‌کردند، میلیون‌ها نفر را که برای ابراز
اراده خود آمده بودند، با سرکوب ترسانده است. اما مردم شکست ناپذیر دونباس، زاپوروژیه و
خرسون نظر خود را داشتند.

من می‌خواهم مقامات کیف و اربابان واقعی آنها در غرب صدای من را بشنوند تا همه این را به
خاطر بسپارند: افرادی که در لوگانسک و دونتسک، خرسون و زاپوروژیه زندگی می‌کنند برای
همیشه شهروند ما می‌شوند. (تشویق و تمجید.)

ما از رژیم کیف می‌خواهیم که فوراً آتش‌بس، همه‌خصومت‌ها، جنگی را که در سال 2014 آغاز
کرد، متوقف کند و به میز مذاکره بازگردد. ما برای این آماده هستیم، بیش از یک بار گفته شده است.
اما ما در مورد انتخاب مردم در دونتسک، لوهانسک، زاپوروژیه و خرسون بحث نخواهیم کرد، این
انتخاب شده است، روسیه به آن خیانت نخواهد کرد. (تشویق حضار) و مقامات کیف امروز باید با این
اراده آزاد مردم با احترام رفتار کنند و نه چیز دیگر. این تنها راه صلح است. ما با تمام نیروها و
وسایلی که در اختیار داریم از سرزمین خود محافظت خواهیم کرد و هر کاری را برای تضمین
زندگی امن مردم خود انجام خواهیم داد. این رسالت بزرگ آزادیبخش مردم ما است.

ما قطعاً شهرها و شهرک‌های ویران‌شده، مسکن، مدارس، بیمارستان‌ها، تئاترها و موزه‌ها را
بازسازی خواهیم کرد، شرکت‌های صنعتی، کارخانه‌ها، زیرساخت‌ها، تامین اجتماعی، بازنشستگی،
مراقبت‌های بهداشتی و سیستم‌های آموزشی را بازسازی و توسعه خواهیم داد.

البته ما روی ارتقای سطح امنیت کار خواهیم کرد. ما با هم مطمئن خواهیم شد که شهروندان در
مناطق جدید حمایت کل مردم روسیه، کل کشور، همه جمهوری‌ها، همه سرزمین‌ها و مناطق سرزمین
بزرگ ما را احساس کنند. (تشویق و تمجید.)

دوستان عزیز، همکاران!

امروز می‌خواهم خطاب به سربازان و افسرانی که در یک عملیات نظامی ویژه شرکت می‌کنند،
سربازان دونباس و نووروسیا، کسانی که پس از صدور فرمان بسیج نسبی، به صفوف نیروهای مسلح
می‌پیوندند و وظیفه میهنی خود را انجام می‌دهند، که به ندای دلشان به ادارات ثبت نام و سربازی
بیایند. من می‌خواهم به پدر و مادر و همسر و فرزندان نشان رجوع کنم تا به آنها بگویم مردم ما

برای چه می جنگند، چه دشمنی با ما مخالفت می کند، که جهان را وارد جنگ ها و بحران های جدیدی می کند و سود خونین خود را از این فاجعه می گیرد .

هموطنان ما، برادران و خواهران ما در اوکراین - بخش بومی مردم متحد ما - با چشمان خود دیدند که حلقه های حاکمه به اصطلاح غرب برای همه بشریت آماده می کنند. در اینجا آنها در واقع فقط نقاب های خود را انداختند، درون واقعی خود را نشان دادند .

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، غرب تصمیم گرفت که جهان، همه ما، برای همیشه مجبور به تحمل دیکته های آن باشیم. سپس در سال 1991، غرب انتظار داشت که روسیه از چنین شوک هایی خلاص نشود و خود به خود از هم بپاشد. بله، تقریباً اتفاق افتاد - ما دهه 90، دهه 90 وحشتناک، گرسنه، سرد و نا امید را به یاد می آوریم. اما روسیه مقاومت کرد، احیا شد، تقویت شد و دوباره جایگاه واقعی خود را در جهان گرفت .

در عین حال، غرب در تمام این مدت به دنبال فرصتی جدید برای ضربه زدن به ما، تضعیف و نابودی روسیه است که همیشه آرزوی آن را داشته اند، دولت ما را شکافته، مردم را در برابر یکدیگر قرار داده، آنها را محکوم به محکومیت می کند. فقر و انقراض آنها به سادگی از این واقعیت غافلگیر شده اند که چنین کشور بزرگ و عظیمی در جهان با قلمرو، ثروت طبیعی، منابع، با مردمی وجود دارد که نمی دانند چگونه و هرگز طبق دستور دیگران زندگی نمی کنند.

غرب آماده است برای حفظ سیستم **استعماری نو** که به آن اجازه انگلی کردن، در واقع، غارت جهان به قیمت قدرت دلار و دیکته های تکنولوژیکی، جمع آوری ادای واقعی از بشریت، استخراج منبع اصلی را می دهد، از همه چیز عبور کند. از رفاه نا بسامان، اجاره هژمون. حفظ این رانت انگیزه کلیدی، واقعی و کاملاً خودخواهانه آنهاست. به همین دلیل است که حاکمیت زدایی کامل به نفع آنهاست. از این رو تجاوز آنها به دولت های مستقل، به ارزش های سنتی و فرهنگ های اصیل، تلاش برای تضعیف فرآیندهای بین المللی و یکپارچه سازی خارج از کنترل آنها، ارزشهای جدید جهانی و مراکز توسعه فناوری است. برای آنها بسیار مهم است که همه کشورها حاکمیت خود را به ایالات متحده تسلیم کنند .

نخبگان حاکم برخی از کشورها داوطلبانه موافقت می کنند که این کار را انجام دهند، داوطلبانه موافقت می کنند که دست نشاندگان شوند. دیگران رشوه می گیرند، مرعوب می شوند. و اگر نتیجه ندهد، کل ایالت ها را نابود می کنند و فجایع انسانی، بلایا، ویرانه ها، میلیون ها سرنوشت ویران شده و درهم شکسته انسانی، مناطق تحت کنترل تروریست ها، مناطق فاجعه اجتماعی، تحت الحمایه ها، مستعمرات و نیمه مستعمره ها را پشت سر می گذارند. آنها اهمیتی نمی دهند، تا زمانی که منافع خود را دریافت کنند .

من می خواهم یک بار دیگر تأکید کنم: دقیقاً در حرص و طمع، به قصد حفظ قدرت نامحدود خود، دلایل واقعی جنگ ترکیبی است که "غرب جمعی" علیه روسیه به راه انداخته است. آنها برای ما آرزوی آزادی ندارند، اما می خواهند ما را به عنوان یک مستعمره ببینند. آنها نه همکاری مساوی، بلکه زدنی می خواهند. آنها می خواهند ما را نه به عنوان یک جامعه آزاد، بلکه به عنوان انبوهی از بردگان بی روح ببینند .

از نظر آنها تهدید مستقیم اندیشه و فلسفه ما است و به همین دلیل به فیلسوفان ما دست درازی می کنند. فرهنگ و هنر ما برای آنها خطر است، بنابراین سعی می کنند آنها را ممنوع کنند. توسعه و رفاه ما نیز تهدیدی برای آنها است - رقابت در حال افزایش است. آنها اصلاً به روسیه نیاز ندارند، ما به آن نیاز داریم. (تشویق و تمجید).

من می خواهم به شما یادآوری کنم که ادعای سلطه بر جهان در گذشته بیش از یک بار با شجاعت و استواری مردم ما شکسته شده است. روسیه همیشه روسیه خواهد بود. ما به دفاع از ارزش های خود و میهن خود ادامه خواهیم داد.

غرب روی مصونیت از مجازات حساب می کند و از همه چیز دور می شود. در واقع تا اینجا همه چیز از بین رفته است. توافقات در زمینه امنیت استراتژیک به سبب زیاده می رود. توافقات حاصل شده در بالاترین سطح سیاسی نادرست اعلام می شود. قول قاطعانه می دهد که **ناتو** را به شرق گسترش نمی دهد، به محض اینکه رهبران سابق ما را آنها خریدند، به یک فریب کثیف تبدیل شد. معاهده های دفاع ضد موشکی و موشک های میان برد و کوتاه تر به بهانه های دور از ذهن به طور یک جانبه شکسته شده اند.

تنها چیزی که از همه طرف می شنویم این است که غرب بر نظم مبتنی بر قوانین تاکید می کند. آنها از کجا آمده اند؟ چه کسی حتی این قوانین را دیده است؟ چه کسی موافقت کرد؟ گوش کن، این فقط نوعی مزخرف، فریب محض، استانداردهای دو یا سه گانه است! این فقط برای احمق ها طراحی شده است.

روسیه یک قدرت هزار ساله بزرگ، یک کشور - متمدن است و با چنین قوانین جعلی و دروغین زندگی نخواهد کرد. (تشویق و تمجید).

این به اصطلاح غرب است که اصل مصونیت مرزها را زیر پا گذاشته است و حالا به تشخیص خود تصمیم می گیرد که چه کسی حق تعیین سرنوشت دارد و چه کسی نه، چه کسی شایسته آن نیست. اینکه چرا چنین تصمیمی می گیرند، چه کسی چنین حقی را به آنها داده است، مشخص نیست. حتی به خودشان.

به همین دلیل است که انتخاب مردم در کریمه، سواستوپل، دونتسک، لوگانسک، زاپورژیه و خرسون باعث خشم و وحشیا نه در آنها می شود. این غرب حق اخلاقی ندارد که آن را ارزیابی کند، حتی در مورد آزادی دموکراسی لکنت زبان کند. نه، و هرگز نبوده است!

نخبگان غربی نه تنها حاکمیت ملی و قوانین بین المللی را انکار می کنند. هژمونی آنها ویژگی بارز توتالیتریسم، استبداد و آپارتاید دارد. آنها با وقاحت دنیا را به دست نشاندگان خود تقسیم می کنند، به کشورهای به اصطلاح متمدن و بقیه که طبق نقشه نژاد پرستان غربی امروز با دید به لیست بربرها و وحشی ها ببینند. برجسب های دروغین - "کشور یاغی"، "رژیم استبدادی" - از قبل آماده است، آنها به کل مردم و دولت ها انگ می زنند و هیچ چیز جدیدی در این مورد وجود ندارد: نخبگان غربی همان چیزی هستند که بودند، و همینطور باقی مانده اند - استعمارگر. آنها تبعیض قائل می شوند، مردم را به درجه اول و درجه های دیگر تقسیم می کنند.

ما هرگز چنین ناسیونالیسم سیاسی و نژاد پرستی را نپذیرفته ایم و نخواهیم پذیرفت. و اگر نژاد پرستی نباشد، **روسوفوبیا** که اکنون در سراسر جهان در حال گسترش است چیست؟ اگر نژاد پرستی

نبا شد، این اعتقاد قاطع غرب که تمدن و فرهنگ نئولیبرالی آن الگویی مسلم برای کل جهان است چیست؟ «کسی که با ما نیست بر ضد ما است». حتی عجیب به نظر می رسد .

نخبگان غربی حتی توبه جنایات تاریخی خود را به دیگران منتقل می کنند و از شهروندان کشورهای خود و سایر مردمان می خواهند که به آنچه که اصلاً با آن کاری ندارند، مثلاً در دوره فتوحات استعماری، اعتراف کنند .

لازم به یادآوری است که غرب سیاست استعماری خود را از قرون وسطی آغاز کرد و سپس تجارت جهانی برده، نسل کشی قبایل سرخ پوست در آمریکا، غارت هند، آفریقا، جنگ های انگلیس و فرانسه علیه چین را دنبال کرد. در نتیجه مجبور شد بنا در خود را برای تجارت تریاک باز کند. کاری که آنها انجام دادند این بود که کل ملت ها را به مواد مخدر کشاندند، عمداً کل گروه های قومی را به خاطر زمین و منابع نابود کردند، یک شکار واقعی برای افرادی مانند حیوانات به راه انداختند. این برخلاف ماهیت انسان، حقیقت، آزادی و عدالت است .

ما - مفتخریم که در قرن بیستم این کشور ما بود که جنبش ضد استعماری را رهبری کرد که فرصت هایی را برای بسیاری از مردم جهان برای توسعه به منظور کاهش فقر و نابرابری و غلبه بر گرسنگی و بیماری باز کرد .

تاکید می کنم که یکی از دلایل روس هراسی چند صد ساله، کینه توزی پنهان این نخبگان غربی نسبت به روسیه دقیقاً این است که ما در دوران فتوحات استعماری اجازه ندادیم از خود غارت شویم، اروپایی ها را مجبور به تجارت برای منافع متقابل کردیم . این امر با ایجاد یک دولت متمرکز قوی در روسیه حاصل شد که خود را بر اساس ارزش های اخلاقی بزرگ ارتدکس ، اسلام ، یهودیت و بودیسم، فرهنگ روسی و کلمه روسی که برای همه باز است، توسعه و تقویت کرد .

مشخص است که برنامه هایی برای مداخله در روسیه بارها انجام شد، آنها سعی کردند از زمان مشکلات در آغاز قرن هفدهم استفاده کنند و دوره تحولات پس از سال 1917 شکست خورد. غرب هنوز در پایان قرن بیستم، زمانی که دولت ویران شد، موفق شد ثروت روسیه را تصاحب کند. سپس ما را دوست و شریک نامیدند، اما در واقع آنها با ما مانند یک مستعمره رفتار کردند - تریلیون ها دلار تحت طرح های مختلف از کشور خارج شد. همه ما همه چیز را به یاد می آوریم، ما چیزی را فراموش نکرده ایم .

و این روزها، مردم در دوتنسک و لوهانسک، در خرسون و زاپوریژیا به نفع بازگرداندن وحدت تاریخی ما صحبت کرده اند. متشکرم! (تشویق و تمجید).

کشورهای غربی قرن هاست که تکرار می کنند که آزادی و دموکراسی را برای سایر مردم به ارمان می آورند. همه چیز دقیقاً برعکس است: به جای دموکراسی - سرکوب و استثمار. به جای آزادی - بردگی و خشونت. کل نظم جهانی تک قطبی ذاتاً ضد دموکراتیک است و آزاد نیست، فریبکارانه و ریاکارانه است .

ایالات متحده تنها کشوری در جهان است که دوبار از سلاح اتمی استفاده کرده و شهرهای هیروشیما و ناگازاکی ژاپن را ویران کرده است. به هر حال، آنها یک سابقه ایجاد کردند. این را هم یادآوری کنم که آمریکا همراه با انگلیسی ها در سدان، هامبورگ، کلن و بسیاری دیگر از شهرهای آلمان را در طول جنگ جهانی دوم بدون نیاز نظامی به ویرانه تبدیل کردند. و این کار با سرکشی انجام شد، تکرار می کنم، بدون نیاز نظامی. تنها یک هدف وجود داشت: درست مانند بمب های هسته ای ژاپن، ترساندن کشور ما و کل جهان .

ایالات متحده با بمباران وحشیانه "فرش"، استفاده از ناپالم و سلاح های شیمیایی، اثر وحشتناکی در حافظه مردم کره و ویتنام بر جای گذاشت .

آنها تاکنون آلمان، ژاپن، جمهوری کره و سایر کشورها را در واقع اشغال کرده اند و در عین حال بد بینا نه آنها را متحدان برابر می نامند. گوش کن، من تعجب می کنم که این چه نوع اتحاد است؟ تمام دنیا می دانند که رهبران این کشورها تحت نظر هستند، اولین افراد این کشورها در حال نصب دستگاه های شنود نه تنها در ادارات، بلکه در اماکن مسکونی هستند. این مایه شرمساری واقعی است. ننگ هم برای کسانی که این کار را می کنند و هم برای کسانی که مانند یک برده، بی صدا و فروتنانه این بی ادبی را می بلعند .

آنها دستورات و فریادهای بی ادبانه و توهین آمیز را به آدرس دست نشاندهگان خود همبستگی یورو-آتلانتیک، توسعه سلاح های بیولوژیکی، آزمایش بر روی افراد زنده، از جمله در اوکراین، تحقیقات پزشکی نجیب می نامند .

این سیاست مخرب، جنگ ها و دزدی آنها بود که موج عظیم امروزی در جریان مهاجرت را برانگیخت. میلیون ها نفر از محرومیت رنج می برند، مورد سوء استفاده قرار می گیرند، هزاران نفر در تلاش برای رسیدن به همان اروپا جان خود را از دست می دهند .

کنون از اوکراین نان صادر می کنند. او به بهانه «تامین امنیت غذایی فقیرترین کشورهای جهان» به کجا می رود؟ کجا می رود؟ همه چیز به همان کشورهای اروپایی می رود. در آنجا پنج درصد فقط به فقیرترین کشورهای جهان رفتند. باز هم یک کلاهبرداری و فریب آشکار .

نخبگان آمریکایی در واقع از تراژدی این افراد برای تضعیف رقبای خود و نابودی دولت های ملت استفاده می کنند. این در مورد اروپا نیز صدق می کند، این در مورد هویت فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و سایر کشورهای با سابقه طولانی نیز صدق می کند .

واشنگتن خواستار تحریم های بیشتر و بیشتر علیه روسیه است و اکثر سیاستمداران اروپایی با این موضوع موافق هستند. آنها به وضوح درک می کنند که ایالات متحده، با فشار بر کنار گذاشتن کامل اتحادیه اروپا از حامل های انرژی روسیه و سایر منابع، عملاً منجر به غیرصنعتی شدن اروپا و تسخیر کامل بازار اروپا می شود - آنها همه چیز را می دانند، این نخبگان اروپایی هستند. آنها همه چیز را می فهمند، اما ترجیح می دهند در خدمت منافع دیگران باشند. این دیگر نوکری نیست، بلکه خیانت مستقیم به مردم آنهاست. ولی خدا رحمتشون کنه این کارشونه .

اما تحریم ها برای آنگلساکسون ها کافی نیست، آنها به خرابکاری روی آوردند - باور نکردنی، اما واقعی - با سازماندهی انفجار در **خطوط لوله گاز بین المللی نورد استریم** که در امتداد کف دریای بالتیک قرار دارند، در واقع شروع به تخریب زیرساخت های انرژی پاناروپایی برای هرکسی که از این سود می برد روشن است. چه کسی سود می برد، او البته .

دیگته ایالات متحده بر اساس زور وحشیا نه، بر اساس قانون مشمت است. گاهی اوقات به زیبایی پیچیده می شود، گاهی اوقات بدون لفاف، اما ماهیت همان است - قانون مشمت. از این رو استقرار و نگهداری صدها پایگاه نظا می در تمام نقاط جهان، گسترش **نا تو**، تلاش برای گردآوری اتحادهای نظا می جدید مانند AUKUS و مانند آن. کار فعالی نیز برای ایجاد پیوند نظامی-سیاسی بین واشنگتن-سئول-توکیو در حال انجام است. تمام کشورها می که دارای حاکمیت استراتژیک واقعی هستند یا به دنبال داشتن حاکمیت استراتژیک واقعی هستند و قادر به به چالش کشیدن هژمونی غرب هستند، به طور خود کار در دسته دشمنان قرار می گیرند .

بر اساس این اصول است که دکتربین های نظامی ایالات متحده و ناتو ساخته می شوند و چیزی کمتر از تسلط کامل نیاز ندارند. نخبگان غربی برنامه های استعماری نوین خود را به همان شیوه ریاکارانه ارائه می کنند، حتی با تظاهر به صلح طلبی، از نوعی مهار صحبت می کنند و چنین واژه های حیل آمیز از این راهبرد به راهبرد دیگر سرگردان است، اما در واقع تنها به معنای یکی است. موضوع: تضعیف هرگونه مراکز توسعه مستقل.

ما قبلاً در مورد مها روسیه، چین و ایران شنیده ایم. من معتقدم سایر کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین، آفریقا، خاورمیانه و همچنین شرکا و متحدان فعلی ایالات متحده در ردیف بعدی قرار دارند. ما می دانیم که هر چیزی که آنها دوست ندارند، آنها همچنین تحریم هایی را علیه متحدان خود اعمال می کنند - ابتدا علیه یک بانک، سپس علیه بانک دیگر. اکنون علیه یک شرکت، اکنون علیه شرکت دیگر. این همان عمل است و گسترش خواهد یافت. آنها همه را هدف قرار می دهند، از جمله نزدیک ترین همسایگان ما - کشورهای CIS را.

در عین حال، غرب به وضوح و مدتهاست که آرزوی آرزو کرده است. از این رو، با شروع یک حمله انفجاری تحریمی علیه روسیه، آنها معتقد بودند که یک بار دیگر می توانند تمام جهان را به فرمان خود بسازند. اما، همانطور که معلوم شد، چنین دورنمای گلگونی از همه - به جز شاید **ما زوخیست های** سیاسی کامل و تحسین کنندگان دیگر اشکال غیر سنتی روابط بین الملل - هیجان انگیز نیست. اکثر کشورها از سلام کردن خودداری می کنند و راه معقولی را برای همکاری با روسیه انتخاب می کنند.

غرب به وضوح انتظار چنین سرکشی را از آنها نداشت. آنها فقط عادت کرده اند طبق یک الگو عمل کنند، همه چیز را گستاخانه بگیرند، باج گیری، رشوه، ارباب، و خودشان را متقاعد کنند که این روش ها برای همیشه جواب می دهند، گویی در گذشته استخوان بندی و منجمد شده اند.

چنین اعتماد به نفسی نه تنها محصولی مستقیم از مفهوم بدنام انحصار بودن شخص است - البته این به سادگی تعجب آور است - بلکه محصول گرسنگی واقعی برای اطلاعات در غرب است. آنها حقیقت را در اقیانوس از افسانه ها، توهمات و جعلیات غرق کردند، با استفاده از تبلیغات بسیار تهاجمی، دروغ گویی بی پروا، مانند **گوبلز**. هر چه دروغ باور نکردنی تر باشد، سریعتر آن را باور می کنند - طبق این اصل آنها اینگونه عمل می کنند.

اما مردم را نمی توان با **دلار و یورو** چاپ شده تغذیه کرد. تغذیه با این تکه های کاغذ غیرممکن است و نمی توان خانه ای را با سرمایه گذاری مجازی و متورم شبکه های اجتماعی غربی گرم کرد. همه اینها مهم است، چیزی که من در مورد آن صحبت می کنم، اما آنچه که قبلاً گفته شد کم اهمیت نیست: شما نمی توانید با پول کاغذی به کسی غذا بدهید - به غذا نیاز دارید و با این حروف بزرگ به کسی گرم نمی کنید - شما به انرژی نیاز دارید.

بنابراین، سیاستمداران در همان اروپا باید هموطنان خود را متقاعد کنند که کمتر غذا بخورند، کمتر بشویند و در خانه لباس های گرمتر بپوشند. و کسانی که شروع به پرسیدن سوالات منصفانه می کنند

"در واقع، چرا اینطور است؟" - بلافاصله دشمن، افراط‌گرا و رادیکال اعلام می‌شوند. آنها پیکان را به روسیه تغییر می‌دهند، می‌گویند: اینجا، می‌گویند منبع همه مشکلات شما کیست. دوباره دروغ بگو

به طور خاص چه چیزی را می‌خواهم برجسته کنم؟ دلایل زیادی برای این باور وجود دارد که نخبگان غربی به دنبال راه‌های سازنده برای برون رفت از بحران جهانی غذا و انرژی، که به تقصیر آنها، دقیقاً به دلیل تقصیر آنها، در نتیجه سیاست چندین ساله آنها بسیار قبل از ما به وجود آمده است، نباشند. عملیات نظامی ویژه در اوکراین، در دنیاس. آنها قصد حل مشکلات بی‌عدالتی و نابرابری را ندارند. این ترس وجود دارد که آنها آماده استفاده از دستور العمل‌های دیگری هستند که برای آنها آشنا است

و در اینجا شاید ن‌ذکر است که غرب از تضادهای اوایل قرن بیستم از طریق جنگ جهانی اول بیرون آمد. سود حاصل از جنگ جهانی دوم به ایالات متحده این امکان را داد که سرانجام بر عواقب رکود بزرگ غلبه کند و به بزرگترین اقتصاد جهان تبدیل شود و قدرت دلار را به عنوان ارز ذخیره جهانی بر روی کره زمین تحمیل کند. و بحران عقب افتاده دهه 80 - و در دهه 80 قرن گذشته بحران نیز تشدید شد - غرب تا حد زیادی با تصاحب میراث و منابع اتحاد جماهیر شوروی که در حال فروپاشی بود و در پایان فروپاشی، بر آن غلبه کرد. این یک واقعیت است.

اکنون، برای رهایی از تناقضات دیگر، باید روسیه و سایر کشورهای را که به هر قیمتی مسیر مستقل توسعه را انتخاب می‌کنند، بشکنند تا ثروت دیگران را بیشتر غارت کنند و با این هزینه، سوراخ‌های خود را ببندند. اگر این اتفاق نیفتد، من بعید نمی‌دانم که آنها سعی کنند سیستم را به طور کامل به فروپاشی که همه چیز را می‌توان مقصر دانست یا خدای ناکرده تصمیم به استفاده از فرمول معروف "جنگ همه چیز را خاموشانه خواهد نوشت".

روسیه مسئولیت خود را در قبال جامعه جهانی درک می‌کند و هر کاری را انجام می‌دهد تا چنین مجسمه‌هایی را به خود بیاورد.

واضح است که مدل استعمار نو در نهایت محکوم به فنا است. اما تکرار می‌کنم که صاحبان واقعی او تا آخر به او خواهند چسبید. آنها به سادگی چیزی برای ارائه به دنیا ندارند، جز حفظ همان سیستم دزدی و دزدی.

در واقع، آنها تف به حق طبیعی میلیاردها انسان، بیشتر بشریت، برای آزادی و عدالت، برای تعیین آینده خود به تنهایی. اکنون آنها کاملاً به سمت انکار رادیکال هنجارهای اخلاقی، مذهب و خانواده رفته‌اند.

بیا ببینیم به چند سوال بسیار ساده برای خودمان پاسخ دهیم. اکنون می‌خواهم به آنچه بازرگرم، می‌خواهم به همه شهروندان کشور - نه فقط به همکارانی که در سالن هستند - خطاب به همه شهروندان روسیه بگویم: آیا ما می‌خواهیم اینجا، در کشورمان داشته باشیم، در روسیه به جای مادر و پدر "والد شماره یک"، "شماره دو"، "شماره سه" وجود داشت - آیا آنها قبلاً آنجا کاملاً دیوانه هستند؟ آیا واقعاً ما یلیم که انحرافات که منجر به انحطاط و انقراض می‌شود از مقطع ابتدایی به کودکان مدارس ما تحمیل شود؟ به آنها کوبیده شود که ظاهراً غیر از زن و مرد جنسیت‌های دیگری نیز وجود دارد و به شما پیشنهاد عمل تغییر جنسیت داده شود؟ آیا ما همه اینها را برای کشور و فرزندانمان می‌خواهیم؟ برای ما، همه اینها غیر قابل قبول است، ما آینده‌ای متفاوت داریم، خودمان.

تکرار می‌کنم، دیکتاتوری نخبگان غربی علیه همه جوامع از جمله خود مردم کشورهای غربی است. این یک چالش برای همه است. چنین نفی کا مل انسان، سرنگونی ایمان و ارزش‌های سنتی، سرکوب آزادی و ویژگی‌های «دین معکوس» - شیطان پرستی آشکار - را به دست می‌آورد. در موعظه روی کوه، عیسی مسیح با تقییح انبیا ی دروغین می‌گوید: از میوه‌ها ایشان آنها را خواهید شناخت. و این میوه‌های سمی در حال حاضر برای مردم آشکار است - نه تنها در کشور ما، در همه کشورها، از جمله برای بسیاری از مردم و در خود غرب.

جهان وارد دوره دگرگونی‌های انقلابی شده است، آنها ماهیتی اساسی دارند. مراکز توسعه جدید در حال شکل‌گیری هستند، آنها نماینده اکثریت - اکثریت هستند! - جامعه جهانی و آماده اند نه تنها منافع خود را اعلام کنند، بلکه از آنها نیز محافظت کنند و چندقطبی را فرصتی برای تقویت حاکمیت خود بدانند که به معنای دستیابی به آزادی واقعی، چشم‌انداز تاریخی، حق آنها برای استقلال، خلاقیت، توسعه اصلی، به یک روند هماهنگ.

در همه جای دنیا از جمله در اروپا و آمریکا، همان‌طور که گفتم، همفکران زیادی داریم و احساس می‌کنیم، حمایت آنها را می‌بینیم. یک جنبش آزادیبخش و ضد استعماری علیه هژمونی تک قطبی در حال حاضر در متنوع‌ترین کشورها و جوامع در حال توسعه است. ذهنیت او فقط رشد خواهد کرد. این نیرو است که واقعیت ژئوپلیتیک آینده را تعیین خواهد کرد.

دوستان عزیز!

امروز ما برای یک راه عادلانه و آزاد می‌جنگیم، اول از همه برای خودمان، برای روسیه، برای اینکه دیکته، استبداد برای همیشه درگذشته بماند. من متقاعد شده‌ام که کشورها و مردم می‌دانند که سیاست مبتنی بر انحصار هر کسی، بر سرکوب فرهنگ‌ها و مردمان دیگر، ذاتاً جنایتکار است، که ما باید این صفحه شرم‌آور را ورق بزنیم. فروپاشی هژمونی غرب که آغاز شده برگشت ناپذیر است. و باز هم تکرار می‌کنم: مثل قبل نخواهد بود.

میدان جنگی که سرنوشت و تاریخ ما را به آن فراخوانده است، میدان جنگ برای مردم ما، برای روسیه بزرگ تاریخی است. (تشویق حضار). برای روسیه تاریخی بزرگ، برای نسل‌های آینده، برای فرزندان، نوه‌ها و نوه‌های ما. ما باید از آنها در برابر بردگی محافظت کنیم، از آزمایشات هیولایی که با هدف فلج کردن ذهن و روح آنها انجام می‌شود.

امروز ما می‌جنگیم تا هرگز به ذهن کسی نرسد که روسیه، مردم ما، زبان ما، فرهنگ ما را می‌توان از تاریخ گرفت و پاک کرد. امروز ما به تحکیم کل جامعه نیاز داریم و چنین انسجامی تنها بر اساس حاکمیت، آزادی، خلقت و عدالت است. ارزش‌های ما انسانیت، رحمت و شفقت است.

و من می‌خواهم سخنرانی خود را با سخنان یک میهن پرست واقعی ایوان الکساندروویچ ایلیین به پایان برسانم: "اگر روسیه را سرزمین مادری خود بدانم، این بدان معنی است که من به زبان روسی عشق می‌ورزم، فکر می‌کنم، فکر می‌کنم، آواز می‌خوانم و روسی صحبت می‌کنم. که من به

قدرت معنوی مردم روسیه اعتقاد دارم. روح او روح من است. سرنوشت او سرنوشت من است. رنج او غم من است. گل دادن آن شادی من است

«در پشت این کلمات یک انتخاب معنوی بزرگ است که برای بیش از هزار سال دولت روسیه توسط بسیاری از نسل های اجداد ما دنبال شد. امروز، ما این انتخاب را انجام می دهیم، شهروندان جمهوری خلق دونتسک و لوگانسک، ساکنان مناطق Zaporozhye و Kherson این انتخاب را انجام داده اند. آنها انتخاب کردند که با مردم خود باشند، با میهن باشند، سرنوشت آن را زندگی کنند، با آن پیروز شوند

. پشت سر ما حقیقت است، پشت سر ما روسیه است!

(تشویق و تمجید)

----- با تقدیم احترامات صمیمانه (08-10-2022)